

قيام گتو ورشو

از انتشارات کنگره جهاني يهود

به کوشش شیرزاد ابراهيميان

چاپ اول: فروردین ۱۳۴۲- آوریل ۱۹۶۲
کانون فرهنگي کوروش کبير

نسخه الکترونیک:

کتابهاي رایگان فارسي

<http://persianbooks2.blogspot.com>

آدرس الکترونیک:

farsibooks@gmail.com

به کوشش: باقر کتابدار

خوآننده عزیز

کتاب تاریخ ملت یهود همواره آکنده اراشکها و دردهای فراوان بوده است از روزی که این ملت در صحنه تاریخ ظاهر گشته تا با امروز همواره فرمان «باخونت زنده باش» او را همراهی میکرده است. بارها اتفاق افتاده که موجودیت ملی او در معرض خطرات بزرگ قرار گرفته باشد. کینه توزیهای هامان، محاکم انگیزیسیون اسپانیا، پوگرومهای وحشیانه پتلورا و قصابیهای خمیلینسکی چندمردک از هزاران مردک کتاب تاریخ قطور این ملت است. اما بر سینه قرن بیستم جنایتی را خالکومی کرده اند که ترسناکترین سفاکیهای تاریخ دوران بربریت از وحشیگریهای نرون قیصر گرفته تا سفاکیهای آتیلو و چنگیز در برابرش رنگ باخته اند. ملت یهود در این قرن فاجعه ای را تحمل کرده است که هنوز بشر قدرت جذب عظمت و درک وحشت نهفته در آنرا بطور کامل نیافته است. باید بشریت با زمان وقوع این جنایات لااقل فرنی فاصله بگیرد تا دور نمای کامل این سفاکیها ضمیر فرهنگ نویسانش را در ساختن لغات درخور و مناسب و افکار توده هایش را در درک آن لغات قدرت و توانائی نسبی بخشد.

میل به تساوی و آزادی یهودی محرک مبارزات و شورشهای بیشمار این ملت در تمام طول تاریخ بوده است.

برای این مبارزات که بعد از خرابی معبد دوم از مبارزه و دفاع دلیرانه دژ ماسادا شروع میشود و قیام برکوخیارا در پی خود میآورد و به قیام گتو و رشو

نیز ختم نمیشود نمیتوان جز نام شکست غرور آمیز و پیروزمند نامی نهاد . محور این قیامها بر علیه هر کشور و رژیمی از دم گرفته تاینونان و از حکومت برتری مذهب کلیساتا تئوری برتری نژادی رژیم هیتلری باشد نیل بزیستن در آزادی و تساوی است که از همان زمان خروج از مصر مورد علاقه خاص یهودی بوده است .

قیام گتو ورشورا با تمام شباهتهائی که با قیام و شورش در مسادا دارد میتواند فرینه و پایان آن و شروع فصل جدیدی در تاریخ مبارزات ملت یهود دانست . تشابه شکفت انگیز طرز تفکر بین مبارز مسادائی با گتو ورشوئی مبارزه نومیدانه ای که نتیجه اش - برای مبارزین مسلم و روشن است این اندیشه را تقویت میکند که نسل جنگنده گتوئی دوران خمود فکری ۲۰۰۰ ساله را پشت سر گذاشته است . مبارز مسادائی و گتوئی هر دو مرك قهرمانانه و ایستاده را ترجیح میدهند و در این هدف پیروز میشوند . یهودی در قیام گتو ورشو گذرنامه زندگی جدیدی را میگیرد و در آزمایشی که دوره تحصیلاتش دو هزار سال وقت گرفته است پیروز میشود .

اقدام بچاپ این جزوه از طرف کنگره جهانی یهود و انتشار ترجمه فارسی آن از طرف کانون فرهنگی کورش کبیر به پیچوجه برانگیختن حس ترحم فردی بسوی یهودیان نیست مقصود آنست تا از مخزن تجربه ای که برای ملت ما بقیامت جان ۶ میلیون انسان زنده ، متفکر و صلحدوست تمام شده است سطری در گوش بشریت باز گوشود و کمک کنند تا باقیمانده های ریشه نازیسم که افکار عمومی جهان آنرا محکوم کرده است | ماهنوز تلاش باحیا آن میشود قطع شوند و قانون تساوی حقوق انسانی بدون توجه بر نك پوست و نام قاره و ملت و کشور با جراء کامل گذارده شود .

فروردین ۱۳۴۳ شیرزاد ابراهیمیان

خاطر ۱۹۰ آوریل

روز ۱۹ آوریل سال ۱۹۴۳ یعنی درست ۲۰ سال پیش در چنین روزی آخرین تصفیه و انتقال دسته جمعی یهودیان اروپا از بزرگترین گتوهای وقت آن قاره واقع در شهر ورشو پایتخت لهستان آغاز شد. اما این نقل و انتقال معمولی زنان و مردان و کودکان یهودی همراه با آنچنان قیام دلبران زنانه و مردان یهودی بر علیه نیروهای مسلح نازی است که خاطره آن هر گز از دل‌های پر غم، اندوهناک میلیون‌ها افراد بشر محو نخواهد شد. در این قیام یهودیان تصمیم گرفتند که با تبدیل گتو به یک دژ جنگی بر علیه شرارت و ظلم و وحشیگری رژیم نازی به بارزه دلیرانه بپردازند. مدافعین گتو بخوبی میدانستند که سرانجام این قیام بجز مرگ و نیستی برای آنها چیزی در بر نخواهد داشت. دشمن قوی، محکم، بیرحم و کینه توز و بی حوصله است، مصمم است که گتورا با خاک یکسان سازد. این مردان و این زنان میدانستند که برای آنها شانس موفقیت وجود ندارد و محکوم بمرگ هستند. اما چه مرگی بالاتر و پرافتخارتر از دفاع شخصیت و جنگ بر علیه ظلم و بربریت.

یکی از جنگجویان علت این قیام را برای یکی از لهستان‌نیهای مقیم ورشو در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۴۳ اینطور بیان کرده است: «همه ما در این تقلا و جنگ بر علیه ظلم محو خواهیم شد اما تسلیم نخواهیم گردید ما تشنه گرفتن انتقام و طالب مقاومت

در برابر دشمن مشترك هستیم بخاطر تمام جنایاتی که نسبت به ما روا داشته‌اند .
 این يك مبارزه مردانه برای بدست آوردن آزادی من و شما و ابناء بشر است . برای
 بازگرفتن افتخارات اجتماعی و ملی و استقلال فردی يكایک ما ، منظور ما گرفتن
 انتقام خون بیگناهان قربانی قتلگاهها و کشتارگاههایی چون آشویتس تر بلینکا ،
 بلزک و مدانک میباشد . مرگ بر قاتلین و جلادان . زنده باد مبارزه دلیرانه بر علیه
 بردگی و ظلم ، این جمله شجاعانه که از زبان یکی از این قیام کنندگان میباشد
 نمونه آنست که جنگجویان نه فقط مصمم بگرفتن انتقام خون ملیونها یهودی بودند
 بلکه میخواستند به نازیها و دستیاران آنان و دنیا ثابت کنند که در چنین زمان
 تاریک و وحشتناکی هنوز روح آزادبخواهی و مقاومت در بین افراد بشر و آنان
 زنده است . آنها با يك چنین قیام قهرمانانه ای خواستند فکر آزادی و امید بزندگی
 را برای یهودیان تمام نقاط جهان و در هر گوشه نیروبخشند و در این لحظات تاریک
 و سیاه تاریخ زندگی ملت یهود آنانرا متشکل سازند . این مبارزه برای تحقق بخشیدن
 بروح آزادی پرستان تمام نقاط جهان بود تا همه بر علیه ترور و وحشت نازی
 و امپراطوری رایش سوم بقیام پردازند و عدالت و داد گستری و تساوی حقوق را
 برقرار سازند . نکته برجسته اینست که تعداد زیادی از جنگجویان را جوانان
 سیونست تشکیل میدادند . در نتیجه این قیام رامیتوان حد اقل نوعی دموکراسیون
 و نمایش نیروهای سیونسم در دنیای یهود دانست که ارتش بریتانیای کبیر را در
 فلسطین نکوهش و سرزنش میکرد و باعث شد که بالاخره موفقیت ، استقلال ، پیروزی
 در جنگ بر علیه اعراب مهاجم در سال ۱۹۴۸ بدست آید . سپس قیام مردانه گتوی
 ورشو را می توان بعنوان نقطه اصلی مبارزات بعدی و پیروزی یهودیان برای بدست
 آوردن سرزمین آبا اجدادی آنها اسرائیل دانست . صحیح است که این مبارزه
 دلیرانه در پایان بوسیله نیروهای قوی و قهار شیطان سرکوب و منهدم شد اما آنها
 برای سه هفته مقاومت کردند و دسته های کوچکی از آنان نه فقط هفته ها بلکه
 ماهها بجنگ پارینزانی بر علیه آلمانها پرداختند و مقاومت آنان خیلی بیشتر از
 مقاومت نیروهای لهستان در سپتامبر ۱۹۳۹ و بلژیک و هلند در سال ۱۹۴۰ در مقابل
 سپاه آلمان طول کشید .

این است روزی که یهودیان جهان خاطره آنرا زنده نگه میدارند . تمام
 آزادی پرستان جهان نیز با اهمیت این خاطره واقفند و بان احترام میگذارند .

خاطره‌ای از مردان و زنان مصمم که شعار آنان این بود که مرگ با افتخار و بر روی پای خود ایستاده بهتر از زندگی ننگین و زانو زدن در برابر دشمن است. بلکه ممکن است نیروهای شیطانی اندک‌زمانی بر آزادی و عدالت پیروز شوند ولی سرانجام ناچارند در برابر آن بزانبیافتند.

این قیام در کنگرهٔ مرکب از نمایندگان مجلس سنا و شوراهای آمریکا بعنوان «سمبلی از روح شکست‌ناپذیر آزادی‌پرستی در تاریخ مبارزات بشر بر علیه نیروهای شیطانی» نامیده شده است.

قیام گتوی ورشو یک معنی دیگر را نیز می‌رساند یک معنی غم‌آور و دردناک، این آخرین شکست جامعهٔ یهودیان در شرق اروپا و نشانهٔ اضمحلال آنان است. تا این تاریخ یهودیان امیدوار بودند که شیطانهای نازی با ایجاد امکان برای زیستن در چنین گتوهای عظیمی تا حدودی خواسته‌اند و جو دیک جامعهٔ یهودی را در این نقطهٔ جهان نادیده بگیرند. اما تصمیم آلمان هیتلری بر برچیدن این گتو تمام آرزوهارا بر باد داد.

پس تاریخ ۱۹ آوریل را میتوان نه فقط بعنوان اضمحلال و تعیین سر نوشت یهودیان شرق اروپا بخاطر آورد. بلکه روزی است مهم برای ضبط در تاریخ یهودیان جهان برای برپا داشتن یک روز عزای ملی. خاطرهٔ این روز ترکیبی است از افتخار و عزا و بالاخره امیدواری بزندگی بهتر.

خاطرهٔ بیستمین سال قیام گتوی ورشو در زمانی انجام می‌گیرد که ما شاهد تشدید فعالیت‌های نئوفاشیست و نئونازیسم در بسیاری از کشورهای جهان هستیم که مشغول ایجاد ارتباط و فعالیت برای اتحاد و همبستگی با یکدیگر هستند تا آنکه دارای یک قدرت جهانی بشوند مثلاً پسریکی از مارشال‌های نیروی هوایی انگلستان با اسم میشل اسلاتر Michel Slater که اخیراً بریاست ناسیونال سوسیالیستهای انگلستان رسیده است بعد از زندانی شدن رهبر قبلی با اسم کولین جوردان Jordan-Colin خطاب بیکی از خبرنگاران چنین گفته است «من از اینکه عضو فعال حزب ناسیونال سوسیالیست هستم افتخار میکنم و هیتلر را بعنوان یک مرد بزرگ مورد ستایش قرار میدهم».

این صاحبان مغزهای خشک و نادان چه کم از جنایات هیتلر مطلع هستند که فرزند یکی از ژنرال‌های معروف انگلستان سر لئونارد اسلاتر که

باشجاعت بر علیه ظلم نیروهای رایش سوم جنگیده است چنین اظهارات احمقانه‌ای را
بر زبان میراند !

تراژدی گتوی ورشو باید توجه مردم جهان را باین حقیقت دردناک جلب
نماید که اگر جلوی عده‌ای از افراد سبک‌مغز و نژادپرست باز گذاشته شود چنین
وقایعی امکان تجدید مییابند و روی این اصل نباید دیگر بآنها امکان رشد مجدد
داد . خاطره قیام گتوی ورشو بزبان دیگر يك اعلام خطر بهودیان جهان است که
نگذارند این نیروهای شیطانی افکار مردم را مسموم سازند و باید با کمک تمام
دوستان آزادان آزادی‌های فردی و اجتماعی و حق پرستان بر علیه دشمنان
بمبارزه پردازند .

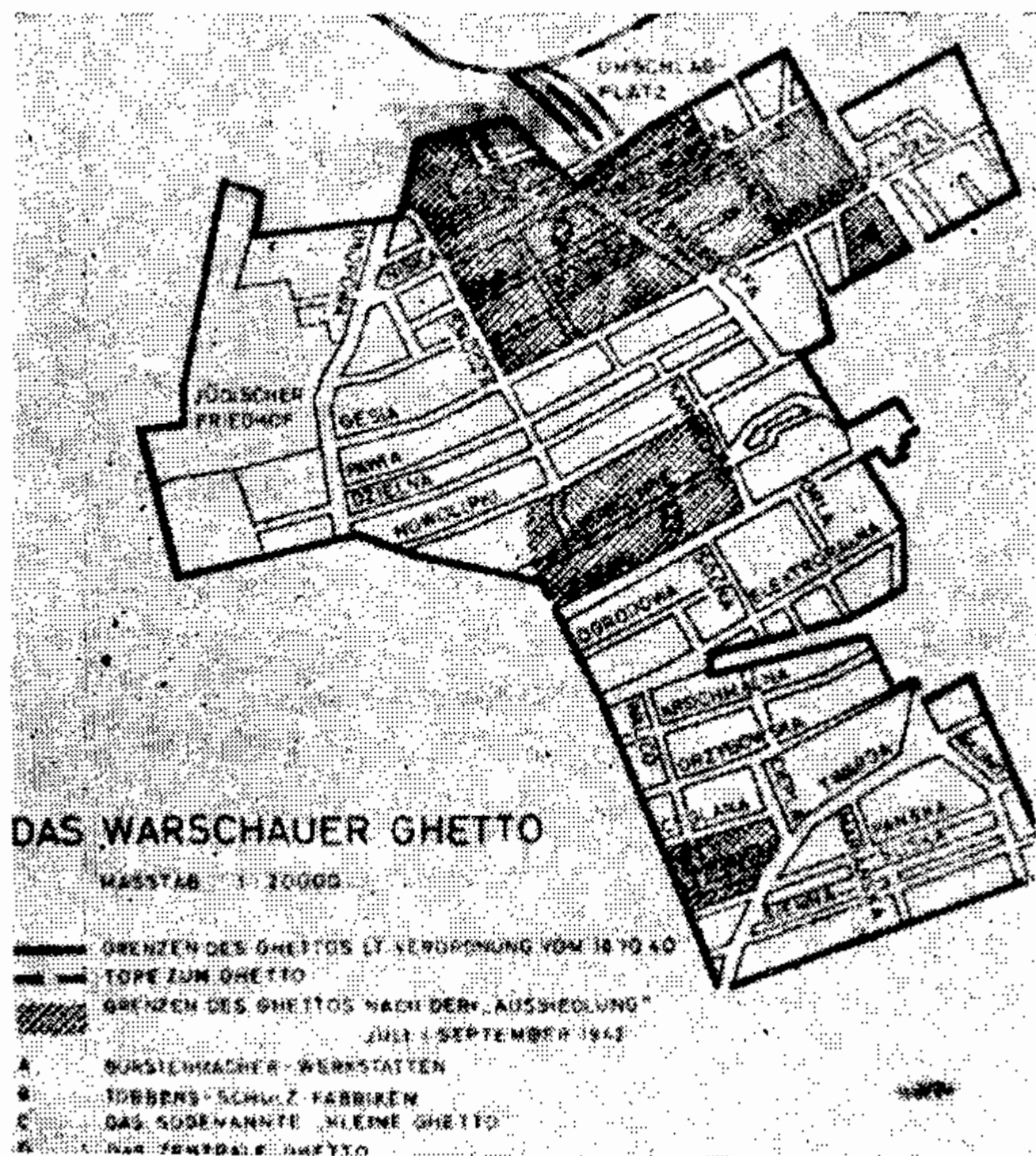
قیام

۱- یهودیان ورشو

یهودیان از قرن ۱۴ به ورشو مهاجرت کردند ابتدا دسته‌های ۱۵۰ نفری وارد شهر شدند اما همه آنها را در سال ۱۴۵۳ از شهر بیرون راندند و حکام وقت اموال آنها را ضبط کردند در اواخر قرن ۱۶ دوباره یهودیان به ورشو برگشتند . اما بمحض تشکیل پارلمان لهستان دوباره از ورشو بیرون رانده شدند بالاخره در اواخر قرن ۱۸ یهودیان اجازه داده شد که در ورشو اقامت دائم داشته باشند بشرط اینکه مالیات مخصوص بپردازند.

کم کم مهاجرین یهودی آلمانی نیز به ورشو آمدند و وزنه مهمی در اقتصاد کشور لهستان شدند در سال ۱۸۶۲ یهودیان اجازه نامحدود برای فعالیت اقتصادی و اقامت و جمع مال و ثروت در لهستان داده شد در سال ۱۸۶۲ جمعیت یهودیان در حدود ۶۴۰۰۰ نفر بود این رقم در سال ۱۸۸۲ به ۱۳۰۰۰۰ نفر رسید در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم تعداد زیادی یهودمان روسیه به ورشو آمدند جمعیت آنها در سال ۱۹۱۰ به ۳۶۰۰۰۰ نفر بالغ شد . وقتی که بعد از جنگ اول ورشو پایتخت جمهوری لهستان گردید جمعیت یهودیان رو بفرزونی نهاد و به ۳۸۰۰۰۰

نفر رسید و ۱۱ درصد کل یهودیان لهستان را تشکیل داد و رشو مرکز ارتباطات و تجارت و تشکیلات هنری لهستان و یهودیان گردید و لهستان با داشتن يك اقلیت یهودی معادل ۳۳۰۰۰۰ نفر از بزرگترین مناطق یهودی نشین اروپا شد .



نقشه گتو ورشو بمساحت ۱۰۰۰،۰۰۰ متر مربع

۲- تاسیس گتو

گتوی ورشو در نوامبر سال ۱۹۴۰ تاسیس شد. این دومین گتو در لهستان بود. اولی در شهر لودز Łódź در آوریل همان سال تاسیس شده بود بعداً در تابستان ۱۹۴۰ نازیها دست بساختن دیواری با ارتفاع ۸ پا بدور گتو کشیدند و سطحی بطول ۴ کیلومتر و عرض ۲٫۵ کیلومتر را محصور کردند. این ناحیه که در حدود ۱۰۰۰ آر وسعت داشت شامل قسمتی از شمال ایستگاه راه آهن و قسمتی از ناحیه صنعتی ورشو میشد. در عکس بالا نقشه مسطح گتو دیده میشود.

در سپتامبر ۱۹۴۰ در حدود ۲۴۰٫۰۰۰ نفر یهودی و ۸۰۰۰۰ نفر لهستانی غیر یهودی در این ناحیه زندگی میکردند. در ۱۶ اکتبر همان سال نازیها به ۸۰۰۰۰ نفر غیر یهودی طی حکمی فرمان دادند که در عرض ۲ هفته این ناحیه را ترک کنند. در عوض در حدود ۱۰۰٫۰۰۰ نفر یهودی که در خارج از گتو زندگی میکردند با نجا رانده شدند. همراه عده‌ای زنان لهستانی که شوهرانشان یهودی بودند و تمام لهستانهایی که اصلشان یهودیان میرسید. در آن موقع تقریباً در حدود ۳۶۰۰۰۰ نفر یهودی در گتو میزیستند در ۱۵ نوامبر ۱۹۴۰ تمام دروازه‌های باز گتو بسته شد. و افراد قشون آلمان در جلوی دروازه‌ها بنگهبانی مشغول شدند و در نتیجه ارتباط یهودیان گتو با خارج قطع گردید.

بعداً تعداد یهودیان گتو رو بفرزونی نهاد زیرا تمام مهاجرین و اسرا تمام نقاط لهستان که به ۱۲۰٫۰۰۰ نفر میرسیدند به گتو منتقل شدند و تعداد یهودیان ساکن گتو به ۵۰۰٫۰۰۰ نفر رسید.

۳- زندگی در گتو.

حتی قبل از اینکه ارتباط یهودیان ساکن گتو با خارج قطع شود آنان عملاً از تمام ثروت و اموال غیر منقول خود محروم شدند. با تمرکز تمام جمعیت یهودیان در گتو ۱۷۳۰۰۰ نفر افراد بیکار که استعداد کار کردن داشتند برای پیدا کردن کار بفعالیت و تلاش پرداختند تا از قحطی و گرسنگی نمرند. بوضعیت و شدت ناراحتی این عده در صورتی می‌توان پی برد که در نظر بگیریم پیدا کردن کار حتی در اردوگاههای اجباری در خط یخبندان مرز روسیه بعنوان يك امتیاز و توفیق

بزرگ محسوب می‌شد. بیشتر یهودیانی که فاقدخانه و کار بودند در عرض یکسال مردند. بسیاری با رغبت و میل به اردوگاه‌های مرگ در ترابلینکا Trablinka پیوستند تا زندگی دردآلودشان زودتر پایان یابد.

در سال ۱۹۴۱ در حدود ده درصد یهودیان ورشو از گرسنگی و مرض مردند فقط در فاصله بین نوامبر ۱۹۴۰ تا آوریل سال ۱۹۴۳ در حدود ۹۶۰۰۰ نفر یهودی در گتوی ورشو بدرود زندگی گفتند این رقم تعجب‌آور نیست زیرا چیزی است که از طرف آلمانها به یهودی داده می‌شد معادل ۱۷۷ تا ۲۱۹ کالری در هر روز بود در صورتیکه زیست‌شناسان آلمانی معتقد بودند که هر فرد زنده در روز محتاج به غذائی معادل ۲۳۸۰ کالری می‌باشد. در پایان سال ۱۹۴۱ در حدود ۱۰۰۰۰۰ یهودی در ورشو می‌توانستند در روز فقط یکبار کمی سوپ بخورند. بعضی اوقات این سوپ را با کاه درست می‌کردند و از طرف سازمان امدادی یهودیان بین آنها تقسیم می‌شد. اپیدمی مرض حصبه و تیفوس و امراض دیگر بین آنان شیوع یافت. آقای استانیسلاو



آنها می‌گیرند، آنها فریاد می‌کشند، ناله و زاری می‌کنند، از سرما می‌لرزند، فاقد پوشاکند، کفش و لباس زیر ندارند. بعضی از شدت گرسنگی کف بر دهان دارند، تعداد آنها نا شمردنی است نیم زنده و نیم مرده‌اند.

روزیکی در کتاب خود وضع یهودیان ساکن گنورا اینطور تشریح میکند «آنان (یهودیان ساکن گتو) بیشتر شبیه ارواح و اسکات‌های مرده هستند. زنده پوش، ماتم زده با نیمه شباهتی با انسان. در خیابانها کودکان فریاد میکشند گریه میکنند و بیحس و ناتوان بر روی زمین میافتند و میمیرند ماهانه در حدود ۱۰۰۰ نفر از امراض مختلف در میگذرند. اول هر صبح در خیابانها با اجساد گدایان، بچه‌ها، پیرمردها جوانان و زنان رو برو میشوید»

آقای روزیکی سپس شرح احوال يك زن و مرد پیر پرداخته که زمانی از ثروتمندترین و روشن فکرترین مردم اروپا محسوب میشدند و حالا عاجز، درمانده، گرسنه و قحطی زده در خیابانهای گتو بالا و پائین میرفتند و تقاضای لقمه‌ای نان داشتند و بر این شقاوت و وحشیگری لعنت میگفتند.



آنها برای دو تا سه ماه به کدائی میپرداختند. اما در پایان همه آنها در گوشه خیابان و یا کنج بیمارستانی میمردند، نومیدی، سرما، گرسنگی و مرض آنها را از پای در میآورد.

۴- گتو خالی از سگنه میشود

بلافاصله پس از تصرف ورشو و آلمانها اجازه داشتند که در مواقع لزوم بسوی یهودیان شلیک کنند. کشتارهای دسته جمعی از آوریل ۱۹۴۲ آغاز شد همچنین بین سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۲ در حدود ۱۸۰۰۰ نفر از جوانان نیر و مند برای بیگاری و بردگی با آلمان منتقل شدند در ژوئیه ۱۹۴۲ نازیها دست به انتقال دسته جمعی یهودیان گتوی ورشو زدند مطابق این نقشه روزانه ۶۰۰۰ نفر یهودی به غرب منتقل میشد. این انتقال در حقیقت بسوی اردوگاههای مرک ترابلینکا و یامنیسک لوبلین و مبدانک بود. جمع کل یهودیانی که تا سال ۱۹۴۳ باین نقاط فرستاده شدند به ۳۰۰۰۰۰ میرسید ۲۷۰۰۰۰ نفر این عده از ۲۲ ژوئیه تا ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۲ اعزام گردیدند. حتی در روز کیپور که مهمترین روز سال برای هر فرد یهودی است این انتقال ادامه داشت. بعلت تقلیل جمعیت یهودیان گتو نیمی از گتو بتصرف آلمانها درآمد. در بین ماههای اوت و سپتامبر ۱۹۴۲ این گتو وسعتی در حدود ۹۵۰ متر در ۲۰۰ متر داشت.

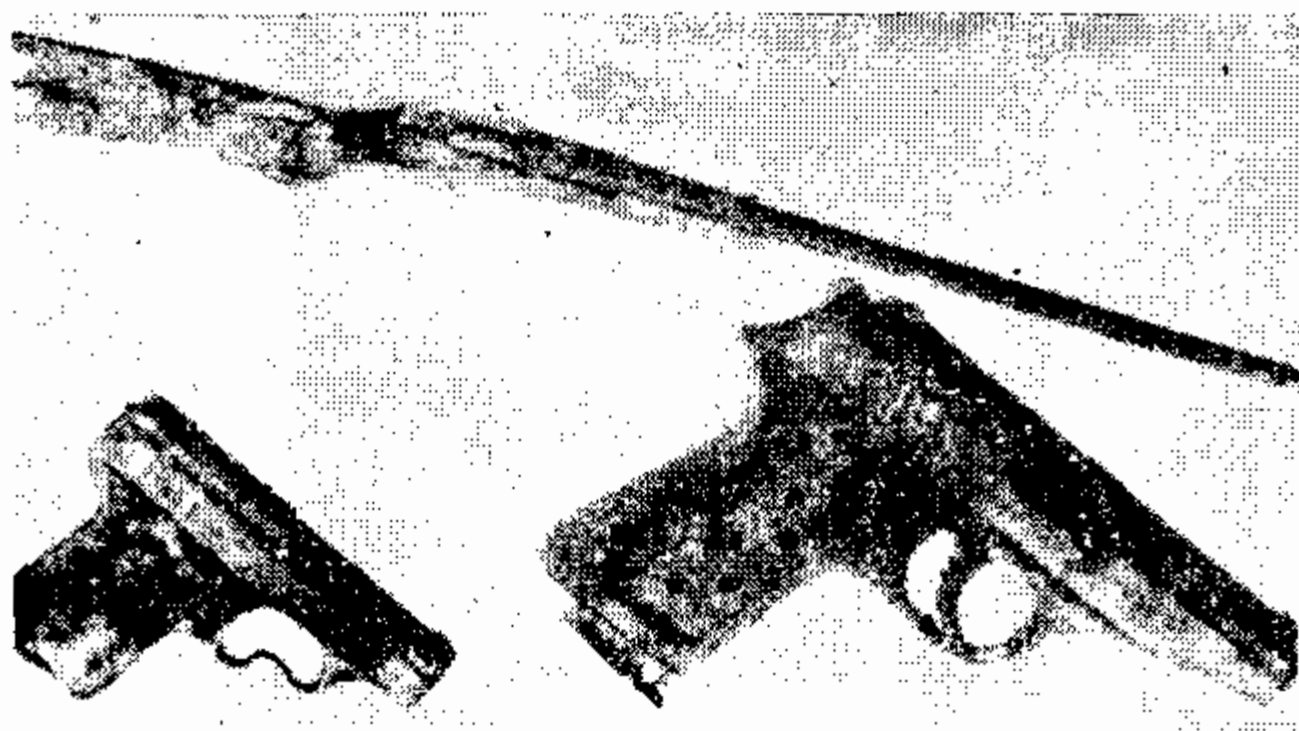
۵- قیام گتو ورشو.

در اواخر سال ۱۹۴۲ نوعی سکوت و خاموشی لهستان را فرا گرفت بعد از فرمان محرمانه هیتلر تحت عنوان Action Reinhard یا انتقال دسته جمعی یهودیان لهستان بمقرزوسیعی تدارک دیده شده بود. در ماههای دسامبر ۱۹۴۲ و ژانویه ۱۹۴۳ ناگهان دستجات جنگنده یهودی در گتو تشکیل شد و مخفیانه شروع بتبیه سلاح گرم نمود. البته بهای اسلحه سرسام آور و گران بود. ژنرال اس.اس آلمانی جورج گن استروپ Jurgen stroop اقرار کرد که مقدمات قیام از اوارط سال ۱۹۴۲ آغاز شده است.

اولین مقاومت مسلحانه یهودیان در گتوی ورشو در ژانویه ۱۹۴۳ انجام گرفت دوست نفر ژاندارم با ۸۰۰ نفر سرباز اس.اس همراه با پلیس لهستان ناگهان وارد گتو شدند اما یهودیان با کمک اسلحه گرم، چاقو، دشنه و اسید با آنها مواجه شدند. ۷ زره پوش ژاندارم و چند واحد اس.اس مامور شکستن مقاومت یهودیان گردیده بودند. در آنروز ۶۰۰۰ یهودی را از گتو منتقل میکردند. از طرف نیروهای مقاومت یهودیان به ساکنین گتو دستور داده شده بود که از انتقال خود

ممانعت کنند و هر خانه را بصورت يك دژ وسد در برابر عبور سربازان آلمانی در آورند برای مختل کردن نقشه نازیها در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۴۳ از طرف نیروهای مقاومت یهودیان گتو به ساکنین دستور داده شد که از ثبت نام برای کار خارج از محوطه گتو خودداری کنند .

در آوریل ۱۹۴۳ آلمانها تصمیم نهائی خود را برای تصفیه گتو و پاک کردن آن از یهودیان گرفتند انجام این کار بعهده ژنرال اس اس آلمانی جورج گون استروپ گذاشته شد . بنا باقرار همکار و دستیار استروپ بنام کارل کالسک Karl kaleske نیروهای آلمانی مرکب از ۱۰۰۰ سرباز نازنچك انداز و هزار سرباز اس. اس و دو واحد کامل نیروی زمینی و گروهان داوطلبان ارتش و يك واحد از نیروهای Sipo سیپو بود . همچنین چند واحد از نیروهای ارتش و پلیس لهستان در کارزار شرکت داشتند . تمام افراد نیرو با کلیه تجهیزات جنگی و اسلحه های گرم مجهز بودند . بنا باقرار ژنرال استروپ جنگجویان یهودی فقط دارای تفنگهای ضعیف جنگی و مسلسل و طپانچه و نوعی نازنچك با سم کوکتیل مولوتوف بودند. خانم سیویالو بتکین کو کرمن در جریان محاکمه آیشمن گزارش داد که افراد گروه ۲۰ نفری او فقط مجهز بدو تفنگ و بمبهای بودند که آنرا بدست خود ساخته بودند و با کبریت منفجر میشد . با ضافه يك ولور و يك دشنه .



این عکس اسلحه های است که جنگجویان یهودی از آنها استفاده کردند

نیروهای جنگنده یهودی که در زبان لهستانی با اسمیل ZOP نامیده میشدند در ژوئیه سال ۱۹۴۲ تشکیل شد. هسته اصلی آنرا گروه‌های جوانان صیونست وابسته به جناح‌های مختلف نظیر مخالوتس، هشومر هصاعیره، پوعله صیون صعیره صیون (مپای)، درور، هنوعر، هتصیونی و عکبیا (صیونست عمومی) و پوعله صیون لغت تشکیل میداد. احزاب کارگری لهستان مخفیانه باین دسته پیوستند و افراد غیرتشکیلاتی نیز با آنان همکاری داشتند. علاوه بر ZOB واحد نیروی نظامی یهودیان نیز تحت اسم مستعار ZZW وجود داشت که یک دسته مستقل بود این واحد از زنان و مردان و حتی افراد ۱۴ تا ۱۵ ساله تشکیل میشد. فرماندهی نیروهای جنگنده یهودی بمهده یک استاد نظامی بود که ریاست آنرا مردخای انیلویچ (عضو هشومر هصاعیر) در دست داشت.



مردخای انیلویچ
Mordechai Anielewicz

اعضای ستاد و عبارت بودند از : اسحق کوکرم (هخالوتس) مارک اولمن (بوند) هرزبرلینسکی (لفت پوعله صیون) یوهانا مرگاسترن (پوعله صیون - سعیره صیون) میشل روزنفلد (کمونیست) . از بین این عده فقط کوکرم و اولمن به نازیها تسلیم شدند .

آخرین قیام مسلحانه یهودیان در ۱۹ آوریل ۱۹۴۳ انجام گرفت این قیام عیناً شبیه یک جنگ واقعی بود . هر طرف بولتن‌های روزانه‌ای منتشر میکردند . استروپ روزانه گزارش عملیات خود را بفرمانده اصلی در کراکوف میداد و تشکیلات یهودیان گزارش عملیات و وضع جبهه را با اطلاع مردم گتو می‌رساند همچنین نیروهای زیرزمینی و مخفی گزارشهای مختلفی برای جنگندگان یهودی تهیه میکرد و در خارج گتو نیز فعالیت داشت .

واحد نیروهای اس.اس و پلیس آلمانی با زره پوش در ۱۹ آوریل وارد گتو شدند و شروع به پیشروی کردند این حمله غیرمنتظره و ناگهانی نبود . گرچه تاریخ حمله را آلمانها محرمانه و مخفی نگه داشته بودند اما یهودیان از روز قبل تاریخ حمله را میدانستند . ژنرال استروپ اقرار کرد که جنگندگان یهودی بخوبی از تمام رموز و نقشه‌های پیشروی آلمانها باخبر بودند مهاجمین با کوکتیل مولوتف و شلیک رگبار مسلسل مورد استقبال قرار گرفتند ناچار آلمانها بعد از آنکه تعداد زیادی کشته دادند عقب نشینی کردند . ۲۴ نفر زخمی شدند و ۲ زره پوش از کار افتاد . این موفقیت باعث پشتگرمی یهودیان شد . قهرمانان آلمانی با ترس و لرز عقب نشینی کردند . همان کسانی که لوله اسلحه‌های خود را در مقابل سینه‌های بی دفاع می‌گرفتند و امر و نهی میکردند اکنون در پناه چندین زره پوش و وسائل مدرن جنگی نتوانستند حریف مشتکی جنگنده و پارتیزان شوند . از بمبهای دستی ساخت گتو وحشت داشتند و از بیم نارنجک‌های دستی و مولوتوف کوکتیل در پناه زره پوشها مخفی میشدند . مقاومت یهودیان آلمانها را دچار بهت و حیرت کرد . معاون ژنرال استروپ، سرهنگ اس.اس سامرن فراکنک که عملیات را رهبری میکرد هرگز انتظار چنین واقعه‌ای را نداشت . وقتی کار از کار گذشت شرمزده و خجل به ژنرال استروپ گزارش داد که میدان پس است و آنرا باخته‌اند . آنگاه از فرمانده کل درخواست کرد تا چند استوکا Stuka (هواپیمای بمب افکن) در اختیار او بگذارد تا فوراً قیام جهودها را درهم بشکند اما استروپ او را از این کار بازداشت روز بعد نازیها برای بار دوم با ۳۰ نفر سرباز اس.اس بگتو حمله کردند و دوباره

با آتش گلوله مواجه شدند . ناچار آلمانها ناجوانمردانه شروع با آتش زدن خانه ها کردند و اسلحه را بکنار گذاشتند . جنگ خانه بخانه شروع شد شماره مجروحین و مصدومین مردم بیشتر میشد مقاومت یهودیان روزها طول کشید . بیشتر مصدومین کودکان و زنان و پیر مردان و پیر زنان بودند آلمانها هر خانه را که تصرف میکردند آنرا با خاک یکسان مینمودند . جنگجویان یهودی حتی در خانه‌هایی که آتش از آن با آسمان زیانه میکشید مقاومت میکردند . واحدهای نازی مجبور بودند وارد خانه‌ها شوند و جنگجویان را از بین آتش در حالیکه آخرین فشنگ اسلحه خود را مصرف کرده بودند دستگیر سازند .

بولتن شماره ۵ نیروهای جنگجویان یهودی با این کلمات شرایط و وضع جبهه جنگ با آلمانها را توضیح میدهد در تمام مدت شب و روز فضای گتورا دود فرا گرفته بود . بدون شك آلمانها تصمیم گرفته اند که هوای گتورا دود آلود و غیر قابل تنفس سازند . آلمانها بخوبی درك کرده اند که آنها نمی توانند در هوای آزاد مردانه جنگندگان را درهم بشکنند ، هزاران نفر زن و بچه طعمه حریق شدند بعضی بالباس سوخته اینطرف و آنطرف میدویدند و بالاخره کیاب میشدند اما



منظره گتوی مشتعل در هنگام قیام

مقاومت جنگجویان هرگز درهم شکسته نخواهد شد و هرگز اسلحه را بزمین نخواهیم گذاشت ، خانم لوبتکین ماده شیر شجاع گتو ورشو در شهادتی که در دادگاه آیشن داد اظهار داشت که در روزهای اول یهودیان ساکن گتو در خیابان یکدیگر را در آغوش میکشیدند و میبوسیدند ؛ آنها میدانستند که روز گرفتن انتقام هنوز فرا نرسیده است اما انتظار چنین روزی را میکشیدند .

نازیها برای اینکه کار گتورا یکسره کنند گتورا به ۲۴ ناحیه تقسیم کردند و برای هر قاحیه يك گروهان نازی را مأمور حمله و کنترل همان قسمت نمودند . تمام فعالیتهای قهرمانانه جنگندگان یهودی در مقابل شقاوت و بیرحمی افراد این گروهانها هیچ بود ۴ روز پس از آغاز عملیات مردخای انیلویچ فرمانده جنگجویان به کوکرمین معاون خود اظهار داشت که جنگجویان دیگر احتیاجی به رهبری آنان ندارند و خود گتو و افراد آن از موجودیت خود دفاع میکنند . در این هنگام کوکرمین از خارج از گتو با جنگجویان گتویی همکاری و کمک میکرد . نظر به وضع استراتژی آلمانها جنگجویان یهودی از ۲۳ آوریل دست به عملیات جنگی پارتیزانی زدند این عملیات بدون وقفه ادامه یافت در ۱۶ ماه مه ۱۹۴۳ بنا بر گزارش استروپ تعداد یهودیانی که در دست آلمانها اسیر شدند و یا نابود گردیدند جمعاً به ۵۶۰۶۵ نفر رسید بعلاوه در حدود ۵ تا ۶ هزار نفر از یهودیان در اثر انفجار و آتش سوزی بقتل رسیده بودند . از تعداد ۵۶۰۰۰ نفر ۷۰۰۰ نفر در جریان عملیات جنگی بقتل رسیدند و تعداد ۶۹۲۹ نفر فوراً به ترابلینکا اعزام شده بودند که با مرگ دست بگیر بیان شوند . نازیها مجبور بودند که متجاوزان ۶۳۱ خانه و انبار را در گتو خراب کنند تا تمام جنگجویان را دستگیر سازند . عده ای از یهودیان که طالب خونریزی نبودند از گتو بیرون گریختند . اشکالاتی را که جنگندگان یهودی با آن مواجه شدند در ۲۴ مه سال ۱۹۴۴ به کمیته ملی یهودیان تسلیم شد و در آن وضعیت گتو با این جملات توضیح داده شده است .

« در دهم ماه مه ۱۹۴۳ دو نفر از افراد زیرزمینی جنگجویان یهودی که در ناحیه ای خارج گتو فعالیت میکنند ۸۰ نفر از اسرای گتورا بوسیله عبور از يك کانال مخفیانه بخارج گتو بردند . این عمل در جلوی چشمان بازسازان آلمانی و پلیس لهستان انجام گرفت ،

گرچه قسمت زیادی از عملیات جنگی با فرمان ژنرال استروپ در ۱۶

ماه مه ۱۹۴۳ پایان یافت اما در هفته‌های بعد نیروهای جدا جدا و تک تک هنوز بر علیه قشون آلمان می‌جنگیدند و نومیدانه از داخل خانه‌های غوطه‌ور در آتش مقاومت می‌کردند .

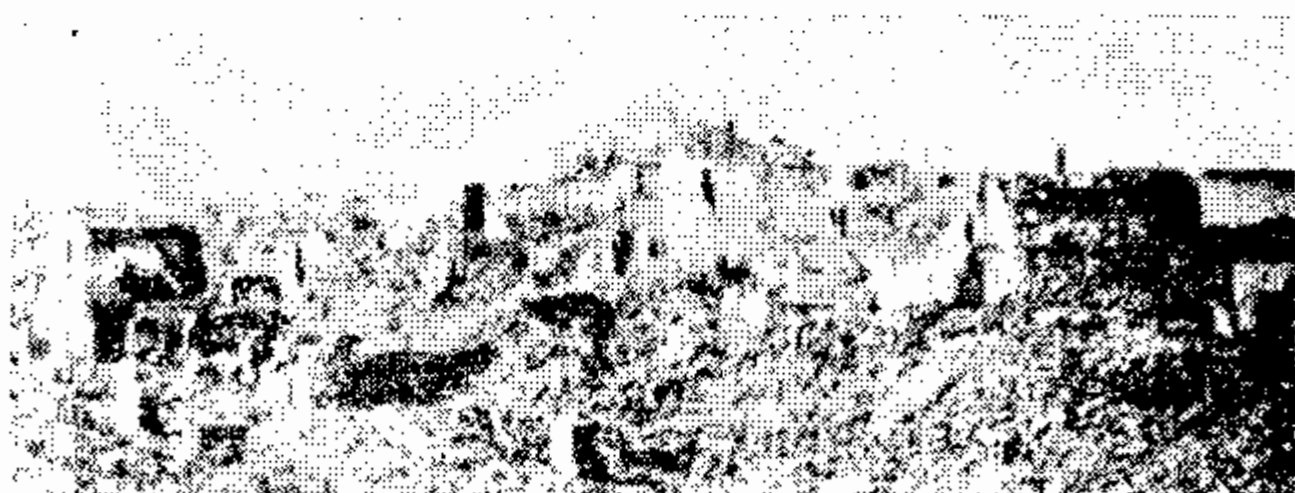


یهودیان را بزور از گتو خارج کرده‌اند.

قیام گتو اثر عجیبی در مردم لهستان نمود و آنان را دچار شوک ساخت . از نظر شباهتی که قیام گتو به جنگ استالینگراد داشت در بین لهستان‌نویها بنام گتوگراد معروف شد . بهر حال با اینکه نیروهای زیرزمینی مقاومت لهستانی و کارگران با نیروهای زیرزمینی یهودیان همکاری داشتند و برای آنها اسلحه می‌فرستادند . اما از لحاظ آذوقه افراد گتو سخت در مضیقه بودند . بعد از جنگ ژنرال استروپ در زندان ورشو ادعا کرد که مردم لهستان علاقه و دقت مجهولی در مورد وقایع گتو بکار می‌بردند . اما پلیس لهستان مجدانه در دم کوبیدن قیام مساعدت می‌کرد . دولت آزاد لهستان در ۱۸ ماه مه سال ۱۹۴۳ با افراد خود در لهستان دستور داد که بیهودیان آذوقه و اسلحه برسانند اما این دستور خیلی دیر صادر شده بود . زیرا ۵ ماه تمام از زحمات و جنگ و جان‌باری یهودیان گذشته بود . نیروی زیرزمینی لهستان با

همکاری جوانان لهستانی بیهودیان اجاز داد که از راه کانالهای مخفی زیرزمینی و فاضل آب فرار کنند. البته در صورتی که در ازاء فرار هر نفر ۱۰۰۰ ر. ۱۰ لوتیس پردازند بدین ترتیب جنگجویان مجبور بودند که فقط به بازو و اسلحه خود متکی باشند.

حتی خود ژنرال استروپ تحت تأثیر مقاومت دلیرانه یهودیان قرار گرفت او در گزارشهای خود همیشه ذکر میکرد که «دستجات تازه نفس جنگنده بیست سی نفری و یا بیشتر مرگب از جوانان یهودی ۲۰ تا ۲۵ ساله که در بین آنها عده ای زن هم دیده میشود مرتباً بر مقاومت خود میفزایند». این دستجات دستور داشتند که تا آخرین نفر بجنگند و هنگام شکست دست بخود کشی بزنند و هرگز اسیر و تسلیم دشمن نشوند. زنها نظیر مردها مسلح شده بودند. بسیاری اوقات در حالی که در هر دو دست طپانچه داشتند بچنگ و شلیک تیر میپرداختند. بنا بر گفته استروپ آلمانها مکرر شاهد بودند که یهودیها علیرغم آتش سوزان ترجیح میدادند که به گتو و بین آتش برگردند و در عوض تسلیم نشوند. در پایان بالاخره قلعه گتو فتح شد. دشمن نیرومند بهدفع خود رسید و ژنرال استروپ مغرورانه و با افتخار به پیشوا گزارش داد: «محلله قدیمی جهودها در ورشو با خاک یکسان شد»



از گتو بجز چند خرابه چیزی باقی نماند. اما در همین خرابه ها یهودیان تا آخرین نفر و نفس بر علیه نازیها جنگیدند

پایان

هیرش گلیک سراینده سرود پارتیزانها
که بصورت سرود سازمان متحده پارتیزانها در
آمد یکی از شاعران جوان ویلنا بود (۶۵) برای
مدتی کوتاه عضو نهضت شوهر هتصاعیر ،
نگهبانان جوان بود سپس به عضویت سازمان
متحده پارتیزانها در گتوی ویلنا در آمد -
در اگوست ۱۹۴۳ هنگامی که گتو نابود گشت
به اردو گاه « گولد فیلد » در استونی فرستاده
شد در تابستان ۱۹۴۴ با عده ای از دوستان جوانش
به جنگلی که در حوالی اردو گاه بود گریخت
و از آن پس هیچ اثری از او به دست نیامده است او
در آن هنگام ۲۲ ساله بود .

سرود پارپیزانهای یهودی

از : هیرش گلمینک

مگو هرگز که این ره آخرین راهست ،
اگر چه آسمان تیره ، روشن روز ما را محو
میسازد ،

زمانی کز برایش انتظاری اینچنین سنگین
کشیدستیم :

سرانجام از غبار راه می آید .

و دلیل ضربه های گامهامان مرده خواهد بود-
که اینجائیم .

وما از دوردست سرزمین نخلهای سبز تا انبوه
دور سرزمینهای سفید از برف ،

در این راهیم باغمهای خود همراه .

و آنجا کآخرین قطره های خون فروغلتید ،

دلیری هایمان گردن میافرازد

و دیگر بار خورشید سحر گاهی میافروزد ره
مارا ،

و محنت بار بگذشته ز دیده محو میگردد ،

و گر هم نورها را این توان نبود که بر خیزند ،
سروده ما بگوش بس زمانها باز خواهد گفت ،
از ایمانی که مارا هست ،

و ما با خون نوشتیم این سرود خویش را تا جمله
بر خوانند .

ولی این نغمه مرغی سبکس نیست در پرواز ،
سرود خویش را در مشیت نارنجک میان غرش
تر کیدن دیوارهای سخت ،
میان داغهای شعله‌ور خواندیم ،

مگوه‌ر گز که این ره آخرین راه است ،
که این دم واپسین لحظه است ،
زمانی کز برایش اینچنین سنگین کشیدستیم ،
سرانجام از غبار راه می آید .
مکن تردید !

طنین گامها چون رعد می‌غرد ،
که اینجائیم !

متن اصلی از انتشارات کنگره جهانی یهود
نشر ترجمه فارسی از کانون فرهنگی کورش کبیر

فروردین ۱۳۴۲ - آوریل ۱۹۶۳

کتابهای رایگان فارسی
<http://persianbooks2.blogspot.com>

برای عضویت در گروه اطلاع رسانی با این ای میل تماس بگیرید:

farsibooks@gmail.com